

تبیین مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی موثر بر شکل‌گیری روابط استراتژیک

مسعود عبدی - دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
دکتر عبدالرضا فرجی‌راد* - دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
دکتر ریباز قربانی نژاد - استادیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۳

چکیده

مفهوم «روابط استراتژیک» به عنوان مفهومی که به تعاملات بازیگران نظام بین‌الملل، بار و وزن خاصی می‌دهد، علی‌رغم استفاده دیپلماتیک و ژورنالیستی، کمتر هدف مطالعه و تبیین علمی قرار گرفته است. طی سالیان اخیر، مفاهیمی مانند «اتحاد استراتژیک»، «ائتلاف استراتژیک»، «شراکت استراتژیک»، «رقابت استراتژیک» به عنوان اشکالی از «روابط استراتژیک» تولید و به گستردگی وارد ادبیات علمی جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل شده‌اند اما اینکه، نسبت مفاهیم مطرح شده با مفهوم اصلی چیست و چه چیز به یک رابطه بار «استراتژیک» می‌دهد؟ افزون بر آن، این مفاهیم در کجای طیف روابط مبتنی بر رقابت و همکاری در نظام بین‌الملل قرار گرفته است؟ مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی این مفهوم کدامند؟ سؤالاتی هستند که کمتر به آنها توجه شده است. از این رو، این پژوهش تلاشی برای تبیین مفهومی و طراحی مدل ژئوپلیتیکی روابط استراتژیک است. پژوهش حاضر، از لحاظ نظری، حول مفاهیم «روابط»، «استراتژی و صفت استراتژیک»، «رقابت و همکاری» می‌چرخد و از نظر روش، توصیفی-تبیینی است و برای گردآوری داده‌ها از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی؛ داده‌های میدانی مبتنی بر مصاحبه با خبرگان و تحلیل استنباطی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد واژه «روابط» در مفهوم «روابط استراتژیک» واژه‌ای خنثی بوده و تعاملات استراتژیک می‌تواند طیفی از تعاملات مبتنی بر همکاری و/یا رقابت را دربر بگیرد. واژه‌های کلیدی: روابط استراتژیک، اتحاد، ائتلاف، رقابت، ژئوپلیتیک.

۱. مقدمه

کشورها به‌عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل، به دلایل مختلفی از جمله تحقق اهداف مشترک، کسب منافع، مقابله با بحران‌ها و تهدیدهای مشترک ناچار از تعامل با یکدیگر هستند؛ تعاملاتی که اگرچه منحصرأً کشورها بازیگر آن نبوده و کنشگران فرو ملی و فراملی نیز به آن راه یافته‌اند، اما این کنشگران، مشروعیت خود را از اراده حاکمیت‌هایی کسب می‌کنند که در قالب واحدهای سیاسی مدرن یعنی «دولت - ملت»ها متبلور هستند. این تعاملات که در ادبیات علمی از آن با واژه «روابط بین‌الملل» یاد می‌شود، طیف به‌هم‌پیوسته‌ای از کنش و واکنش‌ها از جمله همکاری، ائتلاف، اتحاد، شراکت، رقابت یا حتی تنش و نزاع را دربر گرفته و اشکال مختلفی از روابط دوجانبه یا چندجانبه را دربر می‌گیرد.

طی دهه‌های اخیر، مفاهیم جدید در ادبیات علمی این حوزه، متولد شدند که هر یک ناظر بر نوع خاصی از تعاملات بودند؛ مفاهیمی مانند «اتحاد استراتژیک»^۱، «ائتلاف استراتژیک»^۲، «شراکت استراتژیک»^۳ و «رقابت استراتژیک»^۴ که به تعاملات خارجی کشورها، وزن و بار مفهومی خاصی داده و آنها را از مفاهیمی که صرفاً به مناسبات میان این واحدها اشاره داشتند، به مفاهیمی تغییر داده که با «استراتژیک» یا «راهبردی» بودن، به حوزه‌های حیاتی یا امنیتی واحدهای عضو نظام بین‌الملل راه یافته‌اند و این یعنی اینکه، دسته‌بندی جدیدی از مفاهیم در حال شکل گرفتن است که سعی دارد مرزهای مفهومی تعاملاتی که استراتژیک تلقی می‌شوند را ترسیم کند. با این مقدمه کوتاه، این پژوهش در تلاش است که به این سؤال پاسخ دهد که «روابط استراتژیک» چه نوع روابطی بوده و زمانی که دو یا چند کشور از وجود «روابط استراتژیک»^۵ میان خود صحبت می‌کنند، دقیقاً چه شکلی از روابط را مدنظر داشته و مؤلفه‌های اثرگذار این روابط کدام‌اند؟

1International Relations & Relationship

2Strategic Alliance

3Strategic Coalition

4Strategic Partnership

5Strategic competition

6Strategic Relations & Relationship

مطالعات اولیه و مرور ادبیات پیشین، این ذهنیت را تقویت کردند که مفهوم «روابط استراتژیک» علی‌رغم گستردگی به‌کارگیری دیپلماتیک و ژورنالیستی و ...، در ادبیات علمی تبیین نشده و مرزهای مفهومی برای جداسازی هریک از مفاهیم «شراکت استراتژیک»، «ائتلاف و اتحاد استراتژیک»، «رقابت استراتژیک» که هریک، در اصل، شکلی از اشکال روابط استراتژیک هستند، مورد بررسی و تعریف قرار نگرفته‌اند، اما نکته واضح این بود که تعاملات مذکور اولاً، اشکالی از همکاری و رقابت هستند و ثانیاً، این تعاملات بین واحدهای عضو نظام بین‌الملل در جریان‌اند. در این مقاله، در گام اول مفاهیم و اصطلاحاتی که پژوهش حاضر حول آنها می‌چرخد، تبیین خواهد شد. در بخش یافته‌ها، پیش از همه، ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل به عنوان فضایی که تعاملات فرامرزی در آن جریان دارد، مطالعه می‌شود. جایگاه رقابت و همکاری به عنوان سنگ پایه تعاملات در نظام بین‌الملل مبحثی محوری را در شکل دادن به مباحث تشکیل خواهد داد از این رو، گفتار بعدی به رقابت و همکاری در ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل اختصاص یافته است. پس از آن، وارد مباحث روابط استراتژیک شده و در نهایت نیز، مدل مفهومی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی روابط استراتژیک به عنوان جمع‌بندی پژوهش حاضر طراحی شده است.

۲. روش تحقیق

روش کلی این پژوهش توصیف و تحلیلی است و براساس نیاز منابع کتابخانه‌ای که کتب، آثار، مقالات علمی و ژورنالیستی مرتبط با یکی از مفاهیم اصلی پژوهش مطالعه و تحلیل شدند. زمانی که مشخص شد که مفهوم «روابط استراتژیک» در ادبیات علمی مربوطه تبیین نشده، برای دستیابی به تعاریف اولیه از مفهوم، با استفاده از روش مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران برای دستیابی به تعریفی از مفهوم «روابط استراتژیک» استفاده شد. تاکتیک بکارگرفته شده در این مرحله، تاکتیک رسیدن به مرز اشباع بود که سوال و مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه یافت که به نظر می‌رسید از نظر تعریف، مفهوم اشباع شده و افزودن تعداد مصاحبه‌شوندگان، محتوای دیگری اضافه بر آنچه گردآوری شده در اختیار پژوهش قرار نمی‌دهد. در نهایت با استفاده از روشی استنباطی هریک از اشکال تعاملات استراتژیک مانند «اتحاد استراتژیک»، «ائتلاف استراتژیک»، «شراکت استراتژیک»، «رقابت استراتژیک» شاخص‌سازی شد.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. رقابت

در دانشنامه دهخدا، رقابت، به معنای نگاهبانی، انتظار کشیدن و هم‌چشمی کردن و برای معرفی نوعی کنش بوده که مستلزم وجود دو یا چند رقیب است (Dekhoda, 1997: 1666). صاحب‌نظران غربی رقابت را به معنای «کوشش برای به دست آوردن چیزی که هم‌زمان، دیگری نیز در تلاش برای تحصیل آن است» دانسته و از رقابت به «کوشش برای پیروزی بر رقیب برای رسیدن به «امتیازهای محدود» یاد کرده‌اند (Black, 2005: 18). «گروه رقابت انگلستان» نیز رقابت را «فرایند کشمکش و مجادله میان (طرف‌های مختلف) جهت پیروزی در (فرآیند کسب منافع) در طول یک دوره زمانی معین، تعریف کرده است (Whish, 2009:1). بر این اساس، اگر بتوان رقابت را برابر با «تلاش برای تفوق و برتری» دانست در رقابت اقتصادی، «بازار» میدان این مسابقه و «بنگاه‌های تجاری» کنشگران آن به شمار می‌روند و در عرصه رقابت سیاسی فرامرزی، «نظام بین‌الملل» میدان این رقابت و «کشورها یا دولت‌ها» بازیگران آن برای تحقق «منافع ملی» هستند.

۳-۲. همکاری

همکاری از نظر لغوی معمولاً مترادف با همدستی و هماهنگی به کار می‌رود، اما در متون و نظریه‌های همکاری بین‌المللی، همکاری فراتر از هماهنگی است. بر این اساس، همکاری به انطباق و هماهنگی سیاست‌ها در راستای دستیابی به منافع مشترک تعریف می‌شود. لذا ممکن است کشورها به صورتی یک‌جانبه عمل کرده بدون اینکه سیاست‌های خود را با یکدیگر منطبق یا هماهنگ کرده باشند، اما سیاستی هماهنگ دارند. برخلاف هماهنگی، همکاری مستلزم انطباق و سازگاری سیاست‌ها با یکدیگر است و برای حصول به اهداف مشترک باید هماهنگ‌سازی صورت گیرد. همکاری یک نوع هماهنگی آزادی و انتخابی است برای تحقق منافع مشترک که بدون آن، کشورها به هدف خود نخواهند رسید (Dehghani Firouzabadi, 2002: 83-84). از این منظر، هنگامی که کشوری، سیاست مبتنی بر همکاری را در پیش می‌گیرد رفتار خود را با

توجه به رفتار طرف‌های دیگر تنظیم کرده و در صورت تغییر رفتار طرف مقابل، آن را تغییر می‌دهد.

۳-۳. روابط

در فرهنگ لغت دهخدا و در فرهنگ فارسی عمید، «رابطه» علاقه و پیوند یا ارتباط بین دو تن یا دو چیز است که آنها را به هم، پیوستگی و ارتباط می‌دهد و حداقل دو یا چند طرف داشته و به خودی خود حامل هیچ بار ارزشی مثبت یا منفی نیست. زمانی که صحبت از تعامل بین دو یا چند دولت/کشور به معنای مدرن آن است از اصطلاح «روابط بین الملل» استفاده می‌شود که مراد از آن، همه تعاملات خارجی است که این واحدها با یکدیگر دارند. براین اساس، امروزه اصطلاح «روابط بین الملل» مجموعه‌ای از تعاملات خارج از مرزهای جغرافیایی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی و غیره که توسط بازیگران فرا و فروملی انجام شده و ماهیتی مبتنی بر طیف مختلفی از تعاملات از همکاری گرفته تا رقابت دارد را دربر بگیرد.

۳-۴. مفهوم استراتژی^۱ و صفت استراتژیک^۲

از نظر لغوی، واژه استراتژی از کلمه یونانی «استراتگوس» گرفته شده است. «استراتگوس» یا «استراتژ» به معنای لشکر همچنین فرماندهی ارتش و استراتژی به فن اداره جنگ، فن فرماندهی جنگ و طرح نقشه برای جنگ هم به گفته می‌شد (Jonas, 2000: 2, Sahragard, 2007: 6). در یادار «جی سی وایلی»^۳ استراتژی را یک نقشه عملیاتی می‌داند که برای دستیابی به یک نتیجه نهایی طراحی شده است (Collins, 2004: 45). کلاسویز،^۴ استراتژی را مطیع کردن دشمن بدون جنگیدن و آن را بالاترین درجه مهارت تعریف می‌کند (Collins, 2004: 47). در فرهنگ لغت آکسفورد، استراتژی به طرح یا اقدامی که طراحی شده تا اهداف بلندمدت را محقق کند، تعریف شده است (Oxford English Dictionary :285).

- 1.Strategy
- 2.Strategic
- 3.Strategos
- 4.J.C. Wylie
5. clausewitz

همسو با گسترش بکارگیری مفهوم استراتژی در دیگر علوم و حوزه‌ها، در حوزه سیاسی و امنیتی نیز مفهوم استراتژی شاهد تحول بود. در گذشته بدلیل تقدم بعد نظامی امنیت، استراتژی را تنها به استراتژی نظامی محدود می‌کرد اما امروزه، امنیت، معانی و ابعاد متعدد سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی را دربر گرفته و موضوعاتی از هریک از حوزه‌های مذکور، امکان امنیتی شدن دارند. بنابراین کشورها برای مدیریت هریک از ابعاد شش گانه امنیت، نیازمند برنامه یا طرح بلندمدت هستند که از آن به «استراتژی» یا «راهبرد» تعبیر می‌شود. در نتیجه مسائل استراتژیک می‌توانند موضوعاتی در حوزه‌های مختلف را پوشش دهد. استراتژی ملی در دوران صلح یا جنگ، برای دستیابی به اهداف ملی تمام قدرت و توان ملی را ترکیب و به خدمت می‌گیرد و مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد. در چارچوب استراتژی ملی، استراتژی کلی سیاسی، که به مسائل سیاست بین‌المللی و داخلی ارتباط پیدا می‌کند، استراتژی اقتصادی، که بازتاب خارجی و داخلی دارد و بالاخره استراتژی امنیت ملی، همراه با استراتژی‌های گوناگون دیگر وجود دارد. هریک از این استراتژی‌ها، یا تأثیر مستقیم و فوری بر امنیت ملی دارند یا آن را به‌طور محدود تحت تأثیر قرار می‌دهند (Collins, 2004: 45).

انتخاب نوع خاصی از استراتژی، بستگی کامل به توانایی‌های یک کشور دارد. دولتی که از نظر نظامی ضعیف است اصرار دارد روابط خارجی خود را به کمک ابزارها و تکنیک‌های غیرنظامی مدیریت کند و دولتی که از جهت اقتصادی ناتوان است، در به‌کارگیری استراتژی اقتصادی محدودیت دارد. علاوه بر این، انتخاب استراتژی، صرفاً بنا به میل دولت صورت نمی‌پذیرد، بلکه شرایط بین‌المللی و قواعد بازی حاکم بر کنش و واکنش جهانی و نیز وضعیت قدرت طرف مقابل در تحمیل نوع خاصی از استراتژی، مؤثرند. یک دولت ممکن است در نظام بین‌الملل، استراتژی اتحاد و ائتلاف را برای کسب قدرت ملی سودمند تشخیص دهد و دولتی دیگر، راهبرد بی‌طرفی را تحقق بخش اهداف ملی خود بداند.

۳-۵ مدل پژوهش

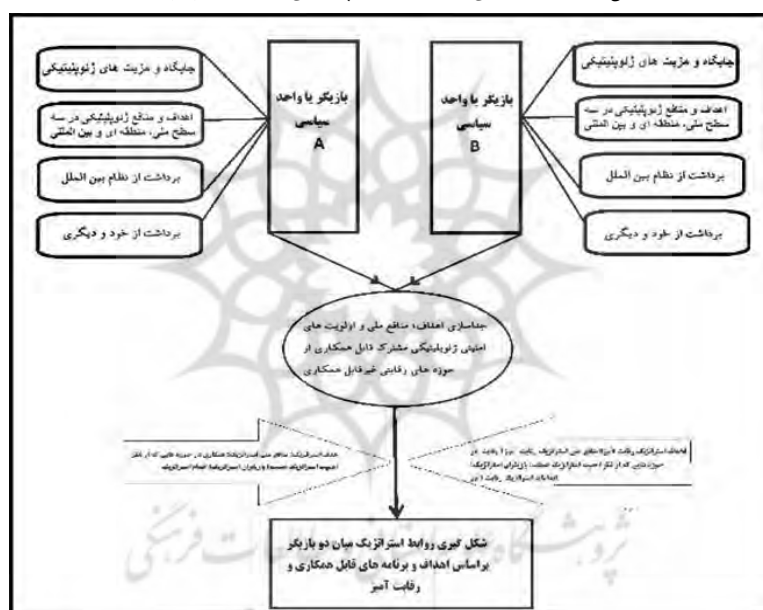
کلمه‌ی «روابط» به خودی خود، کلمه‌ای خنثی است و طیفی از تعاملات دو یا چند جانبه را در بر می‌گیرد که می‌تواند ماهیتی مبتنی بر همکاری یا رقابت یا هر دو داشته باشد. کشورها به عنوان

اعضای نظام بین‌الملل به دلایل مختلف ناچار از تعامل با دیگر واحدها، نهادها و نظام بین‌الملل بوده و این تعاملات را از طریق نهادهای رسمی خود مانند وزارت خارجه یا از طریق نهادهای غیردولتی یا محلی مدیریت می‌کنند. این تعاملات با گستردگی و پیچیدگی روزافزون مسائل ملی و فراملی رو به تشدید بوده و در سطوح ملی (در قالب روابط دوجانبه)، منطقه‌ای و بین‌المللی (در چارچوب روابط چندجانبه یا از طریق نهادها و رژیم‌های بین‌المللی) پیگیری می‌شوند. روابط یا تعاملات بین‌المللی همانگونه که اشاره شد ممکن است حالتی مسالمت‌آمیز و در راستای تحقق اهداف مشترک یا رقابتی در قالب پیگیری منافع متعارض داشته باشند. این روابط در اصل، از لحاظ نوع ماهیت همکاری جویانه یا رقابت‌آمیز بودن، طیفی از تعاملات سفید تا خاکستری را شامل می‌شوند.

فارغ از اینکه واحدهای سیاسی در روابط خارجی خود چه هدفی را با چه ابزاری پیگیری کنند، ممکن است روابط آنها با یکدیگر «استراتژیک» یا «راهبردی» ارزیابی شود. برای توضیح این گزاره، ضروری است توجه کنیم که صفت استراتژیک، مفهومی ایستا نبوده و به مرور زمان، برداشت و درک از مفهوم «روابط استراتژیک» تغییر کرده است. در این پژوهش در اصل با دو مبحث جداگانه‌ی «مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی» و «روابط استراتژیک» سروکار داریم که هرکدام نیاز به بررسی جداگانه دارند اما، برخلاف تعدد منابع در زمینه استراتژی ژئوپلیتیکی کشورها، فقدان منابع در زمینه مفهوم «روابط استراتژیک» موجب می‌شود تمرکز این بحث بر بخش دوم باشد. منتهی برای ورود به بحث نیاز هست که این توضیح در مورد بخش اول، مفهوم یعنی «مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی» داده شود که کشورها اهداف و منافع ژئوپلیتیکی متعددی داشته و با تهدیدهای ژئوپلیتیکی مختلفی نیز در مسیر دستیابی به این اهداف مواجه هستند. کشورها همچنین برداشت‌های متفاوتی از خود و دیگری داشته که شکل دهنده به اولویت‌های اهداف و منافع آنهاست. از این رو، برای دستیابی به مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی به رابطه، آنچه کشورها با آن تعامل دارند، استراتژی‌های ژئوپلیتیکی یکدیگر است. کشور «الف»، در قالب کدهای ژئوپلیتیکی خود، اولویت‌ها، منافع و تهدیدهای پیش روی خود را تعریف کرده و براساس این اولویت‌ها، روابط خود با دیگران را خواه «استراتژیک» باشد یا غیر از آن، تعریف می‌کند. خروجی کل مباحث این پژوهش،

الگوی ذیل است که تلاش شده در آن، دو بخش مفهوم فوق یعنی «مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی» و «روابط استراتژیک» را در بر بگیرد با این مفهوم استراتژی ژئوپلیتیکی مفهوم در دسترس بوده و محل ورود به مدل مفهومی ذیل است اما مفهوم «روابط استراتژیک» مفهومی است که در طول پژوهش به تدریج ساخته و پرداخته شده و هدف تبیین و مطالعه قرار می‌گیرد. در ذیل با هدف آمادگی ذهنی مخاطب برای ورود به بحث، مدل مفهومی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی روابط استراتژیک که خروجی این پژوهش بوده، ترسیم شده است:

شکل ۱: مدل مفهومی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی روابط استراتژیک



۴. یافته‌ها

۴-۱. رقابت و همکاری در نظریه‌های ژئوپلیتیک

رقابت نوعی ستیز گروهی در سطح نظام بین‌الملل است که مستلزم وجود حکومت‌ها، قدرت‌ها و یا سازمان‌های شبیه به حکومت بوده و بسته به شرایط تکامل تاریخی در طی زمان، اشکال مختلفی به خود می‌گیرد (Azghandi and rushandel, 2009: 57). در طول تاریخ، وجود قلمروهای جغرافیایی دریایی و قاره‌ای، زمینه‌ساز تداوم رقابت بوده است (Kuhn, 2008: 78).

وجود رقابت در ساختار ژئوپلیتیک جهانی تأثیر ظریف‌تری نیز بر اهداف کشورها و قدرت‌ها دارد. هالستی^۱ معتقد است که هر ساختار ژئوپلیتیک، بنابر روند تکوین تاریخی خود دارای ارزش‌ها یا آموزه‌هایی است که فراتر از ارزش‌های ملی یا محلی عنصر رقابت را میان کشورها و قدرت‌ها رواج می‌دهد؛ برای مثال، در قرن هیجدهم آموزه حق الهی و ارزش‌های مربوط به اقتدار سلطنتی که همراه آن بود، از سوی اکثر کشورها پذیرفته شده بود (Holsti, 1988: 350). همچنین در اواخر قرن نوزدهم ایجاد امپراتوری، هدف ملی مشروعی بود که به جهت ازدیاد نفوذ بین‌المللی، نیل به پادشاهی اقتصادی و افزایش اعتبار کشور به افزایش رقابت دامن می‌زد؛ اما امروزه دیگر نه حفظ اقتدار سلطنتی تولید رقابت می‌کند و نه ایجاد امپراتوری؛ بر عکس، اکنون یکی از انگیزه‌های تولید رقابت، دستیابی به پیشرفت‌های اقتصادی است که یکی از زیربنای آن نیز دسترسی مطمئن به منابع و زیرساخت‌های جغرافیایی است که بدیهی است بدون وجود آنها تحقق هدف غایی پیشرفت اقتصادی در با چالش عمده‌ای مواجه خواهد شد. در راستای رقابت‌های ژئوپلیتیک، مواهب ژئواکونومیک از اهمیت بسزایی برخوردار شده و زیربنای توانمندی اقتصادی بخشی از قدرتها را تشکیل می‌دهد. بنابراین، در زمان حاضر اگر یک قدرت بتواند در حد کفایت به این مواهب ژئواکونومیک دسترسی داشته باشد، می‌تواند برای خود نفوذی هم‌مونیک ایجاد کرده و سایر کشورها را نیز بسته به حوزه نفوذ خود به همکاری و اداری کند (Krasner, 2000: 67). در زمان حاضر بخشی از استراتژی ژئوپلیتیکی قدرتهای بزرگ و شرح وظایف آنها شامل مناطقی است که با نفوذ جغرافیایی و نظارت بر آنها بتوانند منافع کلان خود را محقق کنند (Ezzati and Bayat, 2005: 67). این امر موجب می‌شود طبق رهیافت ژئوپلیتیکی، رقابت در وهله اول اجتناب‌ناپذیر بوده و ثانیاً، این رقابت همچنان تداوم یابد. رویکرد ژئوپلیتیک به ریشه‌های رقابت، نزدیک به مکتب واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل است. نکته کلیدی در نظر واقع‌گرایان این است که راه حلی نهایی برای از بین بردن رقابت در عرصه روابط بین‌الملل وجود ندارد و آنچه تاکنون ساری و جاری بوده، رقابت مبتنی بر منافع قدرت‌ها و کشورها بوده است. در این راستا، حصول منافع ملی در طول تاریخ به مثابه نقطه عزیمت رقابت

بین قدرت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل شناخته شده است و از آنجایی که دستیابی به امتیازات ژئوپلیتیک، عینی‌ترین و ملموس‌ترین منافع یک کشور به حساب می‌آید، از این رو، مسیر دستیابی به این منافع، از مسیر رقابت‌های ژئوپلیتیک می‌گذرد زیرا ژئوپلیتیک در واقع راه و روش دستیابی به منافع ملموس جغرافیایی را پیش پای سیاستمداران قرار می‌دهد و بدیهی است که اساس و زیربنای سیاست خارجی کشورها و قدرت‌ها معطوف به سیاست‌های ژئوپلیتیک آن‌هاست. بنابراین، توجه به ویژگی‌ها و ملاحظات ژئوپلیتیک مناطق جغرافیایی سبب خواهد شد که سیاستمداران در اتخاذ خط‌مشی‌های بین‌المللی از واقع‌بینی لازم برخوردار شوند و اهداف و منافع خود را متناسب با تغییر توانمندی‌های ژئوپلیتیک خود تعقیب کنند. قدرت‌ها در جغرافیای سیاسی در اغلب موارد به شکل سرزمینی تعریف می‌شود؛ بنابراین، به صورت بنیادین، تحصیل قدرت و منافع بیشتر توسط کشورها و قدرت‌ها به چگونگی اتخاذ سیاست‌های مناسب ژئوپلیتیک از سوی آنها بستگی دارد؛ چراکه ژئوپلیتیک به عنوان دانش کسب قدرت و گسترش حوزه نفوذ، دیدگاه لازم برای چیره شدن بر رقیب را در عرصه‌های مختلف؛ به‌ویژه در زمینه جغرافیایی برای سیاستمداران فراهم می‌آورد (Hafeznia, 2006: 14).

۲-۴. روابط استراتژیک به مثابه روابط مبتنی بر همکاری و رقابت

برخلاف تصور اولیه، اصطلاح «روابط استراتژیک» در ادبیات جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل تبیین و مفهوم‌پردازی نشده است. برای دستیابی به تعاریف مختلف از مفهوم مورد بحث، دو مسیر عمده مورد آزمایش قرار گرفت: در مسیر اول، مقالات علمی و آثاری که به نحوی با موضوع مرتبط بوده‌اند، بررسی شدند. نتیجه مسیر اول، عدم وجود تعریف مشخص از روابط استراتژیک در ادبیات علمی مربوطه بود. واقعیت آن است که طی دهه اخیر مقالات علمی بی‌شماری به رشته تحریر درآمده و منتشر شده‌اند و تلاش داشتند «روابط استراتژیک دو یا چند کشور» را بررسی کنند اما این مقالات، تبیینی از مفهوم مذکور ارائه نمی‌دهند.

مسیر دوم، مسیر مصاحبه با چهره‌های علمی است که پژوهش‌هایی در ارتباط با هر یک از مفاهیم مرتبط با مفهوم «روابط استراتژیک» انجام داده‌اند. جستجوها در منابع علمی حکایت از وجود چهار مفهوم نزدیک به هم در ادبیات این رشته علمی است که در نگاه اول، ممکن است موجب سردرگمی پژوهشگر شوند: اصطلاحاتی مانند «اتحاد استراتژیک»^۱، «شراکت استراتژیک»^۲، «ائتلاف و همکاری استراتژیک»^۳ و «رقابت استراتژیک»^۴؛ اشکالی از روابط استراتژیک هستند اما هر یک به تنهایی، کل مفهوم «روابط استراتژیک» را در بر نمی‌گیرند. نویسندگانی که در ارتباط با هر یک از مفاهیم فوق، مقالات یا آثاری نوشته‌اند، طی فرآیند مرور ادبیات پژوهش، شناسایی و این سوال به طور مشترک از آنها پرسیده شد که «تعریف روابط استراتژیک چیست و زمانی که از روابط استراتژیک میان دو یا چند بازیگر صحبت می‌شود دقیقاً منظور چیست؟ نسبت این مفهوم با مفاهیم نزدیک به آن مانند شراکت استراتژیک چیست؟» آنچه این افراد در پاسخی به سوالات داده‌اند، ترجمه، دسته‌بندی و ارجاع‌دهی شده و در ادامه آمده است:

رابرت جرویس،^۵ اصطلاح «روابط استراتژیک» را اصطلاحی بسیار ابهام‌آمیز می‌داند که به شیوه‌های مختلف استفاده و بکار گرفته شده است اما «شراکت استراتژیک» مفهوم بسته یا محدودتری است که روابط نزدیک‌تر و مستحکم‌تری را نسبت به مفهوم «روابط استراتژیک» پوشش می‌دهد چراکه این مفهوم اخیر، مفهوم گسترده‌تری بوده که می‌توان آن را شکل کوتاه مدت یک اتحاد دانست (Jervis, 2018).

سمانتا می‌نیز می‌گوید: روابط استراتژیک می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، این مفهوم، به روابط (خوب یا بد) میان بازیگران مختلف سیاسی (مانند دولت‌ها، نهادهای بین‌الملل و بازیگران غیردولتی) و روابط میان آنها و حوزه‌های مختلف (مانند اقتصاد، تکنولوژی، نظامی و غیره) اشاره دارد. اغلب دولت‌ها و بازیگران سیاسی نوعی از

- 1 Strategic Alliance
- 2 Strategic Partnership
- 3 Strategic Coalition
- 4 Strategic competition

۵. رابرت جرویس، نظریه پرداز روابط بین‌الملل

۶. استاد و مدیرگروه مطالعات استراتژیک دانشگاه مونترال کانادا

این روابط را با یکدیگر خواه نوع مثبت یا منفی آن را دارند، اما مشارکت استراتژیک جایی است که بازیگران توافق کرده‌اند تا با یکدیگر جهت دستیابی به منافع مشترک همکاری کنند، امری که می‌تواند به صورت رسمی و طبق توافقنامه‌ها یا بصورت غیررسمی نیز باشد (Mey, 2018).

لوئیس فرناندو بلانکو،^۱ بر این باور است که اگر در مورد تفاوت مفهومی روابط استراتژیک پرسیده شود، پاسخ ساده و مشخصی در این مورد وجود نداشته و رویکردها و نقطه نظرات مختلف و گسترده‌ای در این مورد وجود دارد که حاکی از عدم تبیین مفهوم روابط استراتژیک است (Fernando Blanco, 2018). حمیرا مشیرزاده، کلمه «روابط» در اصطلاح «روابط استراتژیک» را کلمه‌ای خنثی می‌داند که می‌تواند حامل بار مثبت یا منفی یا هر دو باشد لذا به خودی خود، این واژه در اصطلاح «روابط استراتژیک» صرفاً به معنای «همکاری» نبوده و می‌تواند بار تعارض یا رقابت آمیز نیز به خود بگیرد از این رو، اگر منظور از روابط استراتژیک، مفهوم همکاری جویانه آن مطرح باشد، اصطلاح «شراکت استراتژیک» بیشتر بیانگر مقصود است. رابطه به عنوان یک مفهوم به باور مشیرزاده، بار معنایی مشخصی نداشته یعنی رابطه استراتژیک می‌تواند غیردوستانه هم باشد به این دلیل در متون علمی به عنوان مفهومی که ناظر بر «همکاری» بوده، بکار برده نمی‌شود (Moshirzadeh, 2018).

سابراتا کومار میترا،^۲ واژه «روابط» در اصطلاح «روابط استراتژیک» را یک واژه خنثی و سست تلقی می‌کند که حامل هیچ بار معنایی مثبت یا منفی نیست و «استراتژی» را نیز در اصل، دسته‌ای از تاکتیک‌ها که می‌تواند تسلیم شدن، اعلان کردن و حمله کردن را شامل شود، تعریف می‌کند. لذا وقتی کشوری در صدد است تا منافع ملی خود را پیشینه کند، باید استراتژی مورد پیگیری را با لحاظ کردن مجموعه‌ای از عوامل، از جمله «محدودیت‌های داخلی» و «کنشگران بین‌المللی» تدوین کند (Kumar Mitra, 2018).

۱. لوئیس فرناندو بلانکو (Luis Fernando Blanco)، عضو هیات علمی دانشگاه کونارد بروکسل در بلژیک بوده که در رساله دکتری خود بر موضوع شراکت استراتژیک در اتحادیه اروپا متمرکز بوده و نویسنده مقالاتی از جمله مقاله «کارکردهای شراکت استراتژیک در گفتمان‌های سیاست خارجی اتحادیه اروپا» است.

۲. سوبراتا کومار میترا (Subrata Kumar Mitra)، استاد مطالعات جنوب آسیا در دانشگاه ملی سنگاپور است.

کنستانتین براتیانو، نیز می‌گوید که مفاهیمی مانند «روابط استراتژیک» و «شراکت استراتژیک» علیرغم دامنه معنایی متفاوت، یک نقطه تقاطع یا مشترک دارند که آن نیز ماهیت استراتژیک آن تعاملات است. مفهوم «روابط استراتژیک» عمومی‌تر از ایده «مشارکت استراتژیک» است. مفهوم مشارکت استراتژیک به وجود شراکت کاری میان دو بازیگری اشاره می‌کند که در یک بازه زمانی مشخص، اهداف و برنامه معینی را تدوین و در راه دست‌یابی به آن برنامه‌ریزی و حرکت می‌کنند. یک مشارکت استراتژیک - بنا بر تعریف او - یک رابطه استراتژیک است ولی هر رابطه استراتژیکی، مشارکت استراتژیک نیست. یک رابطه استراتژیک، بازه زمانی مشخصی برای حفظ روابط ندارد و تعهدی قانونی را شامل نمی‌شود چراکه یک رابطه استراتژیک، بر اساس منافع متقابل و در یک همکاری طولانی مدت شکل می‌گیرد (Bratianu, 2017).

جان وندت،^۲ سوال در مورد روابط استراتژیک را سوالی موسع می‌داند و معتقد است که روابط استراتژیک، به درجه شدت آن وابسته بوده و هرچه این روابط شدیدتر باشد عنصر همکاری در آن قوی‌تر و عنصر رقابت ضعیف‌تر خواهد بود و روابط استراتژیک می‌تواند در حوزه‌های سیاسی، نظامی یا اقتصادی شکل بگیرد و دوجانبه یا چند جانبه باشد (Wendt, 2017). آربین جی سالیحو،^۳ روابط استراتژیک را روابطی تعریف می‌کند که منافع دوجانبه را حداقل تا زمانی که دغدغه‌های دو طرف دست‌نخورده باقی بمانند، به طور بلندمدت تأمین می‌کند و معتقد است که آنچه باعث می‌شود این رابطه پایدار بماند منافع ملی بوده و این روابط، مبتنی بر ارتباطات تاریخی - جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است (Salihu, 2017).

حسن یاسیر مالیک،^۴ روابط استراتژیک را مفهومی عام‌تر و پویاتری نسبت به مشارکت استراتژیک در نظر می‌گیرد که کارویژه مشخص‌تری داشته و به علت یا دلیل مشخص و معینی میان تعدادی

۱. کنستانتین براتیانو (Constantin Bratianu) استاد مطالعات اقتصادی دانشگاه بخارست.

۲. جان ای وندت (Jan A. Wendt) استاد روابط بین الملل دانشگاه ورشو لهستان است.

۳. آربین سالیحو (Arben J Salihu) پژوهشگر ارشد در زمینه مسائل آسیای میانه و قفقاز و نویسنده مقاله «رسیدن به سازگاری سازنده: گام‌ها، تاکتیک‌ها، و سازوکار سازنده ساز: راه حل‌ها، تاکتیک‌ها و راهبردها» است.

۴. یاسر مالیک حسن، (Yaser Malik Hasan) دکترای روابط بین الملل از دانشگاه کراچی، متخصص در زمینه مسائل

از بازیگران تعریف شده یا مورد موافقت قرار می‌گیرد «روابط استراتژیک» اهداف متعددی را می‌تواند در بر داشته باشد (Yaser Malik, 2017).

دالبیر اهلاوات، معتقد است که «روابط استراتژیک»، مفهومی کلان شمول است که در ذیل آن، کشورها می‌توانند در حوزه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی، اقتصادی، امنیت و دیگر حوزه ها با یکدیگر رابطه داشته باشند. مشارکت استراتژیک به منافع مشترک یا پروژه استراتژیک مشخصی محدود است. برای مثال، ایران و هند با مشارکت یکدیگر بندر چابهار را ساختند، این مشارکت، ارزشی استراتژیک برای هر دو کشور دارد چرا که این بندر هند را به جمهوری های آسیای مرکزی متصل می‌کند. زیرا هند از طریق ایران می‌تواند با این کشورها تعامل اقتصادی داشته باشد. بنابراین، این منافع بین دو کشور، مشارکت استراتژیک ایجاد می‌کند. مشابه این مورد را می‌توان در بندر گوادر پاکستان ملاحظه کرد که در احداث آن، مشارکت استراتژیک میان پاکستان و چین در جریان است (Ahlawat, 2017).

ادوین آر استافورد، بر این باور است که یک «مشارکت»، رابطه یا پیوندی شبیه «ازدواج» است میان/بین سازمان ها یا بازیگرانی که روابط میانشان از طریق توافق برای همکاری ممکن می‌شود. شاید این فرمول بندی کمتر شامل حال روابط استراتژیک شود و بیشتر، روابطی کمتر دوستانه را پوشش دهد. بدین ترتیب بازیگرانی که دنبال روابط استراتژیک باشند، ممکن است از یکدیگر مستقل تر باشند. می‌خواهم بگویم که در بسیاری از روابط کاری و محیط‌های سازمانی، ممکن است مشارکت آشکاری میان دو بازیگر نبینید، ولی آن بازیگران ممکن است برای منابع خاصی و دستیابی به اعتبار جمعی جهت اقدام، به یکدیگر وابسته باشند، آن وابستگی نوعی روابط استراتژیک است (Stafford, 2018). هاکان پریهولت،^۳ روابط استراتژیک را اصطلاح یا مفهومی

بین الملل هند و پاکستان بوده که رساله دکتری خود را به اهمیت استراتژیک بندر گوادر اختصاص داده است.

۱. دالبیر اهلاوات (Dalbir Ahlawat)، عضو دانشگاه مکاروری استرالیا و نویسنده مقاله «روابط استراتژیک هند-استرالیا؛ از بیگانگی تا تعامل» است.

۲. ادوین آر استافورد (Edwin R. Stafford) استاد مدیریت دانشگاه ایالتی اوتا و متخصص در زمینه روابط استراتژیک سازمانی است.

۳. هاکان پریهولت (Håkan Preiholt) استاد دانشگاه استکهلم سوئد و متخصص در زمینه مدیریت است.

ناظر بر حوزه «مدیریت روابط» می‌داند، در حالیکه ایده مشارکت استراتژیک چنین رابطه‌ای را با استراتژی دارد (Preiholt, 2018).

آنچه از مصاحبه با صاحب‌نظرانی که به سوالات فوق پاسخ دادند، می‌توان فهمید این است که:

- روابط استراتژیک در ادبیات علمی مربوطه مفهوم‌پردازی نشده و این مفهوم در مقالات و آثار موجود براساس برداشت‌های شخصی بکارگرفته شده به گونه‌ای که هر تلاشی برای تئوری-پردازی در این خصوص می‌تواند در حد خود اولین به شمار آید؛

- کلمه روابط در مفهوم روابط استراتژیک، کلمه‌ای خنثی است و می‌تواند روابط خوب یا مثبت (به معنای همکاری) و بد یا منفی (به معنی رقابت و تعارض آمیز) را در بگیرد؛

- بازیگران روابط استراتژیک می‌تواند دولت‌ها، نهادهای بین‌الملل و بازیگران غیردولتی و حوزه‌های مختلف مانند سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی، اقتصادی، تکنولوژیک، نظامی را در بگیرد، به شرط آنکه آن حوزه از نقطه نظر تعریف منافع و اولویت‌های بازیگران حیاتی تلقی شود و این بازیگران به نمایندگی از حاکمیت، این نقش را ایفا کنند؛

- روابط استراتژیک دو یا چند جانبه است؛

- روابط استراتژیک، مفهومی است که ناظر بر تعاملات بلندمدت است؛

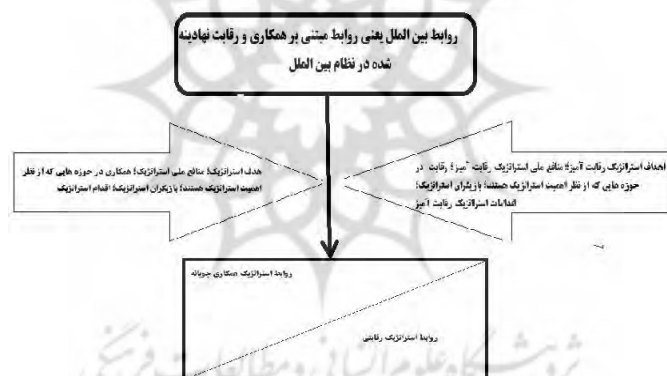
- روابط استراتژیک ارتباط مستقیم با مفهوم منافع ملی و اولویت‌بندی بازیگران از آن داشته و این روابط حول مفهوم منافع ملی شکل می‌گیرند، یعنی در مرتبه اول و تا زمانی که نگرانی‌های امنیتی مشترک وجود داشته باشد، هدف از روابط استراتژیک وجهه مثبت آن یعنی همکاری در قالب اشکال مختلف این روابط برای از میان برداشتن نگرانی‌ها یا تهدیدات مشترک است ولی زمانی که اولویت‌ها تغییر کند، ممکن است رقابت بازیگران، بر تعاملات استراتژیک میان آنها مسلط شود؛ به این معنی که منافع ملی حیاتی آنها متأثر از این رقابت شده یا تعاملات آنها جنبه‌هایی از رقابت و همکاری را توأمان داشته باشد؛

- روابط استراتژیک در قالب اشکال مختلف نمود و تبلور می‌یابد که تعاملاتی مانند «شراکت استراتژیک»، «اتحاد و ائتلاف استراتژیک» و «رقابت استراتژیک» اشکالی از روابط استراتژیک هستند که طیفی از تعاملات همکاری‌جویانه یا رقابت‌آمیز و متعارض را دربر گیرد.

در راستای تعریف از روابط استراتژیک می توان تعریف ذیل را ارائه داد:

طیفی از تعاملات دو یا چند جانبه و بلندمدت که می توانند ماهیتی مبتنی بر همکاری یا رقابت یا هر دو داشته و حوزه های مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی را دربر گرفته و بدلائیل مختلف از جمله «دربرداشتن اقدام استراتژیک»؛ «کنشگری بازیگران استراتژیک»، «داشتن پیامد استراتژیک»، «روی دادن در حوزه های استراتژیک»، حیاتی یا راهبردی فرض شوند». واقعیت آن است که کلمه «روابط» در اصطلاح مذکور، واژه ای خنثی بوده و می تواند مشتمل بر انواع تعاملات مثبت (خوب) یا منفی (بد) باشد. از این رو، مفهوم روابط استراتژیک هرگونه تعاملی که بین طیف روابط خوب تا روابط بد مبتنی بر رقابت یا همکاری را دربرمی گیرد مشروط به آنکه، آن تعامل بدلیل ارتباط با امنیت و منافع ملی، راهبردی باشد.

شکل ۲: الگوی تعریف روابط استراتژیک



۳-۴. اشکال روابط استراتژیک و شاخص های آن

کمبود و ضعف مطالعات علمی برای تبیین مفهومی روابط استراتژیک موجب شد تا روش استنباطی-تحلیلی برای استخراج شاخص ها از طریق مفاهیم مرتبط با مفهوم اصلی یا مفاهیمی که به گونه ای بخشی از تصویر گسترده تر روابط استراتژیک هستند در دستورکار قرار گیرد. با این رویکرد، در واقع با کمک اشکال روابط استراتژیک، سعی بر نزدیک شدن به تصویر کامل تری از مفهومی که تعریف دقیق و توافقی شده ای برای آن وجود ندارد، داریم. در واقع در اینجا، اشکال

مختلف روابط استراتژیک معرفی می‌شوند و از دل این مفاهیم، شاخص‌های روابط استراتژیک استخراج می‌شوند. شکل ذیل گویای تلاشی است که در پی خواهد آمد.

شکل ۳: نسبت مفهوم روابط استراتژیک با اشکال آن



۱-۳-۴. اتحاد

اندیشمندان مختلف، تعاریف متفاوتی را از مقوله «اتحاد»ها در نظام بین‌الملل ارائه کرده‌اند. برخی تعاریف موسع و برخی نیز مضیق هستند. در تعریف مضیق، اتحاد، در برگیرنده روابط دو یا چند کشور بر مبنای پیمان اتحاد به منظور ترکیب نیروهای نظامی، سیاسی و اقتصادی و مقابله با تهدید مشترک از سوی طرف سوم است. در این تعریف، مشخصه نظامی تعیین‌کننده است. بنابراین، این نوع اتحادها شامل پیمان‌های عدم تجاوز، میثاق‌های دفاعی، ضمانت‌های یک‌جانبه و میثاق‌های امنیت دسته‌جمعی می‌شود. از سوی دیگر، تعریف موسع به معنای ائتلافی از دولت‌ها که اقداماتشان را هماهنگ می‌کنند تا به اهداف خود دست یابند. طبق این تعریف، این دسته در برگیرنده هر نوع همکاری بین‌المللی دولت‌ها شامل اتحادهای نظامی، ائتلاف‌های دیپلماتیک، میثاق‌های مودت و همکاری، فدراسیون‌ها و کنفدراسیون‌ها، اتحادیه‌ها و... می‌شود (Czechowska, 2013: 45).

برخی بر این باور هستند که اتحادها به خودی خود، کنشی استراتژیک هستند، چراکه اتحاد، ماهیتی نظامی داشته و اولین بعد امنیت، امنیت نظامی است لذا، اتحاد ذاتا، حول یک موضوع

استراتژیک شکل می‌گیرد. اتحادها هم در نتیجه تضاد منافع و هم در نتیجه اشتراک منافع شکل می‌گیرند، اگر صرفاً تضاد وجود داشته باشد، هیچ همکاری امکان‌پذیر نخواهد بود و اگر تضاد نیز ظهور نکند، دولت‌ها نیازی به برقراری هیچ نوع رابطه‌ای پیدا نخواهند کرد (Czechowska, 2013: 37).

به این معنی که اگر تضاد منافی نبود هیچ کشوری احساس تهدید نمی‌کرده و به تبع آن، خود را نیازمند اتحاد با دیگری جهت رفع تهدید نمی‌دید و اگر اشتراک منافع نبود نیز دو کشور علیه کشور ثالث با یکدیگر متحد نمی‌شدند. بنابراین، از آنجا که ایجاد اتحاد میان قدرت‌های بزرگ امری مهم و تعیین‌کننده است، توانایی ورود به اتحادهای پایدار، مهمترین امر در سیاست خارجی است. اتحادهای استراتژیک نوعی توافقات رسمی میان دو یا چند دولت برای هماهنگی در رفتارهای خارجی در مواجهه با حالت‌های اضطراری نظامی و امنیتی در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است.

اتحادهای استراتژیک موجب تقویت بنیه نظامی اعضا می‌شود، اعضا را نسبت به هم متعهد می‌کند. آنچه موجب ارتباط اعضاست، تهدید مشترک است. اتحادهای استراتژیک در اصل برای اعضای اتحاد یک سپر دفاعی و برای کشورهای مهاجم، تشکیلات و ترتیباتی تهاجمی به شمار می‌رود. انگیزه سیاسی، نظامی-امنیتی دولت‌ها در ورود به اتحادها، رویارویی با خطرهای مشترک است. زمانی ارزش اتحادها از حالت راهبردی خارج می‌شود که تهدید مشترک از بین رفته باشد (Islamic Parliament Research Centre, 2001: 5).

استفان والت اتحاد را دربرگیرنده «ترتیبات رسمی و غیررسمی همکاری امنیتی میان دو یا چند دولت مستقل» تعریف می‌کند و مورگنتا، اتحادها را شکل ویژه‌ای از همکاری بین‌المللی می‌داند که با یک موافقت‌نامه مکتوب و رسمی میان دو یا چند دولت که برای مدت معینی به قصد پیشبرد منافع‌شان به ویژه در ارتباط با «امنیت ملی» ایجاد شده است، شکل می‌گیرد

1Stephan Walt

2Hans Morgenthau

(Morgenthau, 2005: 309). جورج لیسکا؛ ضمن پذیرش تعاریف فوق، بر جهت اتحاد علیه کشور ثالث که تهدید به شمار می‌آید تاکید دارد (Liska, 1968: 3). اتحاد هم معاهدات رسمی و هم تعهدات غیررسمی را در بر می‌گیرد، زیرا دولت‌ها ممکن است به همکاری گرایش داشته باشند، اما به امضای یک معاهده تن ندهند. وجود یا فقدان یک معاهده رسمی اغلب واقعیت موجود را در خصوص سطح تعهدات میان طرف‌ها نشان نمی‌دهد (Waltz, 1987: 12-13). شوئلر معتقد است اتحادها واکنشی نه صرفاً به تهدیدات بلکه به فرصت‌ها نیز بوده و ابزاری جهت تحصیل سود و همچنین جهت دوری از ضرر هستند. شوئلر با تفکیک میان دولت‌های امنیت جو و طمع کار معتقد است برخی دولت‌ها (طمع جو) فارغ از انگیزه‌های امنیت‌جویی و رفع تهدید عمل کرده و اغلب با دولت‌های تجدیدنظرطلب قوی همراهی می‌کنند و یا به ائتلاف با دولت‌های تجدیدنظرطلب می‌پیوندند (Schweller, 1994). اسمیت نیز، بر دواطلبانه بودن و غیرالزام آور بودن و بعد نظامی اتحاد توجه دارد (Smith, 1995: 405-425). دیوید سینگر و ولکر نیز اتحاد را نوشته‌ای عمدتاً دواطلبانه، توافقی رسمی، پیمان یا یک کنوانسیون، بین کشورهایی می‌دانند که سیاست‌ها و رفتار خود را برای مقابله تهدیدات نظامی هماهنگ کرده‌اند (Walt, 1987: 12). اغلب صاحب‌نظران، سه عنصر: ۱- پیمان رسمی علنی یا محرمانه؛ ۲- ارتباط با امنیت ملی؛ ۳- بازیگری دولت‌های ملی را سه مؤلفه عمده یک اتحاد در نظر می‌گیرند (Ghavam & Imani, 2012: 43-44) اما در نوع اتحاد، محتوا، میزان ارتباط و اهداف آن، بین صاحب‌نظران توافق نظر وجود ندارد.

۱-۳-۱. شاخص‌های اتحاد استراتژیک

در فرهنگ لغت وبستر؛ سه ویژگی از ویژگی‌های ذیل برای اتحاد ذکر شده است اما اتحادها، ویژگی‌های دیگری نیز دارند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود:

۱. وجود دولتها به عنوان بازیگران اصلی یک اتحاد، یعنی اتحاد بین دولتی است؛

1 George Liska

2 Schweller

3 Alastair Smith

4 Websters Encyclopedic Dicitonary

۲. اتحادها دارای موافقتنامه‌های صریح رسمی یا غیررسمی هستند؛
 ۳. مفاد توافقنامه اتحاد ممکن است ناظر بر وضعیت آینده باشد (Websters, 1995: 27)
 ۴. در اتحادها، اعضای اتحاد برای یک رویداد خاص، متعهد به رفتار خاصی می‌شوند؛
 ۵. اتحادها وعده بوده و با آنچه واقعا روی خواهد داد ممکن است متمایز باشد و ضمانت اجرای آن‌ها، منافع متقابل است اما چون برخی منافع متغیر و دگرگون شونده هستند، ضمانتی برای دوام آن وجود ندارد؛
 ۶. تعهدات یا وعده‌ها در اتحاد متقابل هستند؛
 ۷. موضوع اتحاد، مسائل امنیت ملی است (Ghavam & Imani, 2012: 43).
- از لابه‌لای نظرات و توضیحات نقل شده از صاحب نظران مختلف می‌توان به گزاره‌های نسبتاً توافق شده‌ای دست یافت که حدود و ثغور مفهوم را ترسیم کرده و قابلیت آن را دارند که از این گزاره‌ها به عنوان مبنایی برای مقایسه دیگر اشکال تعاملات استراتژیک استفاده کرده و در نهایت نیز، مفهوم «روابط استراتژیک» را بر اساس نسبت با این گزاره‌ها تبیین کرد:
- وجود اهداف استراتژیک همگرا: این امر نیز بدون شک نقطه شروع شکل‌گیری روابط استراتژیک همکاری‌جویانه است. بگونه‌ای که طرفین به این درک برسند که با ترکیب تلاش‌ها و همکاری می‌توانند به این اهداف دست یابند. شاهد وجود این امر امضای اعلامیه تأسیس همکاری استراتژیک میان طرفین است.
 - دستیابی طرفین به مشخصه همکاری: در این خصوص برخی به ویژگی داوطلبانه توافق دو جانبه و برخی به وابستگی متقابل اشاره می‌کنند.
 - وجود همکاری‌های معتبر و بلندمدت میان طرفین: یک رابطه بلند مدت از طریق تعمیق همکاری نزدیک ایجاد می‌شود. روابط باید به گونه‌ای باشد که بتوان تا حد زیادی راجع به تداوم آن در آینده اظهار نظر کرد. این بر خلاف ائتلاف است که در زمان مشخص برای هدف و یا در برابر رخدادی مشخص شکل می‌گیرد.
 - بی‌همتایی روابط میان دو طرف اتحاد: این ویژگی را می‌توان از گستردگی دیدارهای سطح بالای متوالی، ترجیح روابط اقتصادی شامل تجارت، همکاری عمده در بخش سرمایه‌گذاری و

عدم وجود مرز در دسترسی به بازار ملی متحد و همچنین همکاری‌های نظامی مختلف ارزیابی کرد.

• نهادینگی و نهادمندی روابط متقابل میان طرفین.

• وجود جو دوستانه در روابط دو جانبه: این امر به واسطه تجارب مثبت در طی سالیان گذشته و همچنین رویه مناسب در حل منازعات معاصر اشاره دارد. این امر منجر به ایجاد روابط مشابه با دوستی شخصی می‌شود که مبتنی بر وفاداری و اعتماد است (Czechowska, 2013: 48-51).

• وجود یک دشمن، رقیب و یا تهدید مشترک (Walt, 1987: 168)

• نگاه مشترک به ساختار نظام بین‌الملل.

جدول ۱: ویژگی‌های اساسی اتحادها

اشکال اتحاد	ضمانت اجرا	ماهیت	جهت اتحاد	مدت زمان	شکل تعامل	حوزه تعامل	بازیگران	عناصر اتحاد استراتژیک
بیمان‌های عدم تجاوز، میثاق دفاعی مشترک/ فدراسیون‌ها/ کنفدراسیون‌ها/ میثاق‌های امنیت دسته جمعی	منافع متقابل	داوطلبانه غیر الزام آور	تهدیدات ناشی از طرف سوم یا استفاده از فرصت‌ها	معین	رسمی و غیررسمی	دارای تعریف مضیق (اتحاد عمده‌تأ نظامی) و موسع (بکارگیری نیروها و توان سیاسی، نظامی و اقتصادی برای مقابله با تهدید مشترک) است	دو یا چند دولت	

۲-۳-۴. ائتلاف استراتژیک

ائتلاف، از جمله مفاهیم و واژه‌های سیاسی است که هر روز در اخبار سیاسی و بین‌المللی رسانه‌ها یا در سخنان سیاستمداران و فعالان سیاسی تکرار می‌شود. لغت نامه دهخدا در صفحه ۳۱۶۵ جلد سوم معنای لغوی واژه «ائتلاف» را «مجمع گردیدن، با همدیگر الفت گرفتن و پیوسته شدن» ذکر کرده است (Dehkhoda, 1997: 3165). از نظر اصطلاحی و در تعاملات سیاسی، «ائتلاف»، توافقی میان دو یا چند طرف برای حمایت از یکدیگر به منظور پیشبرد منافع متقابل است. ائتلاف به معنای همکاری رسمی یا غیررسمی نهادی به‌ویژه در خصوص مسائل امنیتی میان دو یا چند دولت حاکم در واکنش به وضعیتی خاص به منظور اجرای کارویژه‌های

خاص است. ائتلاف‌ها اغلب در زمان جنگ شکل می‌گیرند و بسیاری از کارکردهای سیاسی همچون بازدارندگی، حملات و تلاش جهت حفظ متحدین را ندارد. ائتلاف‌ها معمولاً بعد از رسیدن به هدف تعیین شده منحل می‌شوند (Oest, 2007:20- 21). ائتلاف‌ها دارای اشکال مختلفی همچون دو جانبه و چند جانبه، سری و علنی، ساده یا دارای سازمان پیچیده و کوتاه مدت یا درازمدت هستند. همچنین کاربرد ائتلاف در دو سطح سیاست داخلی و بین‌المللی رایج است. در سطح بین‌المللی منظور از ائتلاف، همبستگی و همکاری چند کشور مختلف برای نیل به یک یا چند هدف مشترک است.

ائتلاف همچنین به این معنی است: «همکاری‌های امنیتی موقتی غیرنهادینه شده رسمی و غیررسمی بین دو یا چند دولت است که طبق شرایطی خاص و به منظور انجام وظیفه خاص، پاسخی را شکل می‌دهند» (Noe Oest, 2007: 15-16). اولین چیزی که با شکل‌گیری یک ائتلاف به ذهن تداعی می‌شود «وجود هدف مشترک» است.

ائتلاف‌های بین‌المللی زمانی شکل می‌گیرد که چند کشور عمدتاً همفکر برای تحقق اهداف مورد نظر با هم به همکاری بپردازند. کشورهای عضو ائتلاف ممکن است برای همکاری با هم یک موافقتنامه رسمی امضا کنند یا این که بدون وجود هرگونه توافق مکتوب در پی تحقق اهداف مورد نظر برآیند. از جمله ائتلاف‌های بزرگ بین‌المللی که در سال‌های اخیر در سطح جهان شکل گرفته ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم است. در شرایط پس از ۱۱ سپتامبر کشورهای جهان برای مبارزه با تروریسم به نوعی توافق دست یافتند که عنوان «ائتلاف برای مبارزه با تروریسم» گرفت و نمود عملی این امر در جنگ افغانستان آشکار شد. زمانی یک ائتلاف استراتژیک است که یا در موضوع مورد همکاری یا حوزه همکاری، راهبردی، حیاتی یا حایز اهمیت تلقی شود به این معنی که با اهداف و منافع اولیه و اساسی دو یا چند کشور تشکیل دهنده ائتلاف ارتباط مستقیم داشته باشد.

تعریف بسیار نزدیک به ائتلاف، «اتفاق» است. اتفاق به معنای هر تعهدی برای همکاری است که همه زمینه‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و سایر مسائل را ممکن است در برگیرد. حال آنکه، ائتلاف هم به هماهنگی رفتار و سیاست چند دولت در قالب تعهد به منظور ادغام وظایف خاص تعریف می‌شود. در ائتلاف، کشورها یا دولت‌ها در تمام مسائل با هم اجماع ندارند مانند ائتلاف شوروی، آمریکا و انگلیس در جنگ جهانی دوم علیه آلمان نازی، با وجود اختلافات ایدئولوژیک (Ghavam & Imani, 2012: 57-58).

جدول ۲: ویژگی‌ها و عناصر اصلی ائتلاف‌ها

عناصر یک ائتلاف	بازیگران	حوزه تعامل	شکل تعامل	مدت زمان	جهت اتحاد	ماهیت	ضمانت اجرا	اشکال اتحاد
استراتژیک	دو یا چند دولت	ترکیب نیروها و ظرفیت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی ابرای تحقق یک هدف مشخص	رسمی و غیررسمی نهادی سری/اعلنی ساده/پیچیده	کوتاه مدت، موقت و غیر نهادینه شده	حمایت از یکدیگر به منظور پیشبرد منافع متقابل و تحقق اهداف مشترک	داوطلبانه	منافع متقابل	همکاری موضوعی یا موردی مانند ائتلاف مبارزه با تروریسم

۳-۴. شراکت استراتژیک

یکی از جدیدترین اشکال همکاری بین‌المللی، مشارکت استراتژیک است. اگرچه این مفهوم به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما هیچ توافق یا اجماعی در مورد آن یا مدل نظری در رابطه با این نوع همکاری وجود ندارد. مفهوم مشارکت استراتژیک به عنوان شکلی از روابط دوجانبه برای اولین بار در نشست کمپ دیوید در سال ۱۹۹۱ استفاده شد؛ رئیس جمهور روسیه، بوریس یتسین و رئیس جمهور آمریکا، جورج بوش، طی بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که دو کشور، از این پس، یکدیگر را دشمن در نظر نمی‌گیرند و متعهد به توسعه نوعی مشارکت بر اساس درک متقابل و اعتماد می‌شوند، اگرچه این دو رهبر، ماهیت مشارکت استراتژیک را تعریف نکردند، با این حال، ذکر آن نشان دهنده اراده دو طرف برای دستیابی به چارچوبی برای چنین همکاری‌هایی بود. به این معنی که کشورها در عین حال که به دنبال منافع مشترک بوده در همان

حال نیز گسترش مناطق و حوزه‌های نفوذ را پیگیری می‌کنند بدون اینکه با چالشی در جهت دستیابی به این اهداف برخورد کنند. در فضای پایان جنگ سرد، مفهوم مشارکت استراتژیک منعکس کننده رویکرد نئورئالیسم نسبت به ساختار نظام بین‌المللی بود. دولت‌ها، بازیگران بین-المللی مستقلی هستند که در چارچوب سلسله مراتب قدرت فعالیت کرده و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی در چارچوب سلسله مراتب قدرت مذکور در زمینه به حداکثر رساندن مزایا و به حداقل رساندن هزینه‌های عملیاتی داشته و هدف اصلی استراتژیک آنها امنیت ملی است. بنابراین، مفهوم شراکت استراتژیک نیز، ناظر بر استفاده از قدرت ملی در همکاری با کشورهای دیگر جهت تحقق منافع ملی بود. با این حال، این مفهوم اغلب با مفاهیم ائتلاف (ناظر بر همکاری کوتاه مدت) و اتحاد (ناظر بر همکاری نظامی) اشتباه گرفته می‌شود.

امروزه مفهوم مشارکت استراتژیک، بازتاب دهنده همکاری مشترک برای تحقق اهداف استراتژیک است. یعنی تعاملات استراتژیک دو جانبه براساس اهداف استراتژیک و همکاری که لازمه تحقق آن اهداف است، تعریف می‌شود. با این وجود، کشورها برای همکاری مشترک استراتژیک نیازمند آن هستند تا تعریفی دقیق از اولویت‌های منافع ملی خود ارائه دهند. همکاری استراتژیک می‌تواند در زمینه منافع استراتژیک ملی تعریف شود. همکاری در حوزه‌های استراتژیک مانند امنیت، مسائل نظامی، سیاست، اقتصاد به خودی خود می‌تواند یک همکاری استراتژیک نامیده شود.

جدول ۳: جنبه‌های مشارکت استراتژیک

شرکت استراتژیک خاص	مثال	وضعیت ناظر بر «استراتژیک بودن» یا راهبردی بودن
شرکت لیتوانی-لهستان (۱۹۹۷-۲۰۰۴)	ناتو/ عضویت اتحادیه اروپا	هدف استراتژیک
شرکت آمریکا-لهستان یا آمریکا و ژاپن	هژمونی آمریکا	منافع ملی استراتژیک
شرکت اتحادیه اروپا-چین	به جریان انداختن پروژه‌های سودمند برای تجارت و اقتصاد	همکاری در حوزه‌هایی که از نظر اهمیت استراتژیک هستند
شرکت در روابط آمریکا و اتحادیه اروپا یا شرکت روابط روسیه-هند	(بطور بالقوه) کشورهای قدرتمند و تاثیرگذار	بازیگران استراتژیک
شرکت روسیه-چین	تغییر ساختار نظام بین‌الملل	اقدام استراتژیک

Source: Gajauskaitė, 2014

بر این اساس، دو کشور شریک، به منظور هماهنگ کردن اقدامات و حل مشکلات ناشی از اجرای توافق رسمی، نهادها، مؤسسات و رویه‌های دوجانبه‌ای را ایجاد و وضع می‌کنند که نقش

شرکاء، رویه‌ها، مکانیزم‌ها، قواعد و عناصر را تعریف می‌کنند. برقراری ارتباط و همکاری در مناطق استراتژیک از طریق ایجاد سازوکارها و ساختارهای نهادی، تضمین می‌کند که اهداف استراتژیک و تعهد به منافع مشترک نباید تحت تاثیر تغییرات سیاسی داخلی قرار گرفته و همکاری‌های استراتژیک در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی در شرایط مختلف باید حفظ شود. ساختار سازمانی تأثیر مستقیم بر رفتار شرکاء دارد. این ساختار سازمانی در کنار تعریف اهداف و توازن قدرت و/ یا توازن تعارضات میان شرکاء منجر به اجرای موفقیت آمیز همکاری استراتژیک و استقامت آن به عنوان «بازیگر امنیتی متحد» می‌شود. پیاده‌سازی همکاری استراتژیک، پویایی‌های (دینامیک) واقعی روابط دو کشور و نیز شدت، منحصر به فرد بودن، مسئولیت و تعهد متقابل آنها به یکدیگر را نشان می‌دهد. در این مرحله، انتظارات متقابل باید اجرا شود، یعنی نتیجه‌های خاص همکاری باید به عنوان برنامه‌ریزی مشترک، توافق‌نامه‌ها، بیانیه‌ها و اقدامات، نشان دهنده عمق و میزان همکاری باشد. هر یک از حوزه‌ها یا زمینه‌های کاربردی همکاری، نیاز به دخالت دادن عناصر همکاری دارد که نشان دهنده شدت و کارآیی شراکت استراتژیک است.

جدول ۴: عناصر یک شراکت

عناصر شراکت	بازیگران	حوزه تعامل	شکل تعامل	مدت زمان	جهت	ماهیت	ضمانت اجرا	اشکال
استراتژیک	دو یا چند دولت	اقتصادی/سیاسی / امنیتی	رسمی و غیررسمی / نهادی سری / علنی ساده/پیچیده	بلندمدت و نهادینه شده	دستیابی به اهداف استراتژیک	داوطلبانه	منافع متقابل	توافقنامه شراکت استراتژیک

۴-۳-۴. رقابت استراتژیک

همان‌گونه که در مباحث پیشین به تفصیل بیان شد، رقابت، تلاش دو یا چند کشور، دولت یا ملت جهت دسترسی به منابع فضایی (اعم از مادی و معنوی) است. رقابت ژئوپلیتیکی جهت نفوذ یا سلطه بر یک منطقه یا بخشی از جهان است که بدون مقیاس معنا ندارد زیرا فضای محلی، ملی، جهانی را در بر می‌گیرد. فلسفه رقابت، استیلا و برتری و دستیابی به فرصت‌هاست. رقابت

در ماهیت نظام بین‌الملل ریشه داشته و در ساختار نظام نهادینه شده است. از نقطه نظر رئالیستی، کشورها در رقابت دائم برای کسب، حفظ و افزایش قدرت هستند (نظم هابزی). این رقابت از منظر رئالیست‌ها، منازعه آمیز است.

برخی نیز معتقدند که منطق حاکم بر نظام بین‌الملل و روابط میان واحدهای سیاسی مبتنی بر رقابتی است (نظم لاکي) که این رقابت، الزاما منازعه‌آمیز نیست. محدود بودن منابع نیز کشورها را در رقابت دائمی با یکدیگر قرار می‌دهد. در رقابت ژئوپلیتیکی، منافع مشترک مادی و معنوی جای خود را به منافع تقابلی می‌دهد (Ahmadi & et al, 2017: 60). مایکل پورتر، بر این باور است که زمانی که از استراتژی صحبت می‌شود، این استراتژی بر مفهوم «رقابت» استوار است (Yazdi, 2018). به این معنی که، کشورها برای بدست آوردن چیزی یا تحصيلی هدفی که ممکن است مورد توجه دیگران باشد، باید از برنامه و نقشه راه برخوردار باشند.

رقابت در اصل، تلاشی مسالمت آمیز برای پیشی گرفتن از دیگر کشورها یا بازیگران رقیب بوده و شکل کنترل شده تعارض است. پسوند استراتژیک رقابت ممکن است ناشی از موضوع رقابت (رقابت استراتژیک عربستان و روسیه برای کسب سهم بیشتر از بازار نفت)، جایگاه استراتژیک بازیگران و یا پیامد استراتژیک رفتار بازیگران (رقابت استراتژیک چین و آمریکا) باشد. مفهوم رقابت استراتژیک، بیش و پیش از آنکه در روابط بین‌الملل مورد استفاده قرار بگیرد، مورد توجه رشته مدیریت و اقتصاد بوده است و در مباحثی چون رقابت سازمانی یا در تدوین استراتژی شرکت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، اما به عنوان شکلی از تعاملات میان کشورها، رقابت، محصول الزامات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. از این رو، برخلاف دیگر مفاهیم که نیاز به اقدامی ارادی در جهت شکل دادن به تعاملات در جهت همکاری استراتژیک بوده‌اند، رقابت استراتژیک از لحاظ ماهوی مبتنی بر تضاد منافع است و این تضاد منافع نیز به رفتار آن بازیگران شکل می‌بخشد.

در نظام بین‌الملل، رقابت از اشکال مختلفی برخوردار است: ۱. رقابت بین دو یا چند قدرت هم‌تراز؛ ۲. رقابت بین قدرت نا هم‌سطح درجه یک و دو؛ ۳. رقابت مداخله‌ای. حوزه و منشاء رقابت می‌تواند سرزمین، ایدئولوژی سیاسی مانند ناسیونالیسم، کمبود منابع، قدرت و اقتصاد نیز باشد.

از درون این رقابت هاست که ائتلاف و مسابقه‌های تسلیحاتی شکل می‌گیرد. در رقابت، دو یا چند قدرت به طور هم‌زمان دست به اقداماتی می‌زنند تا از ارزش‌های جغرافیایی مادی و معنوی سهم بیشتری کسب کنند. رقابت در صورت استمرار و کسب احاطه بر ارزش‌های رقیب می‌تواند تبدیل به منازعه ژئوپلیتیکی شود. در رقابت ژئوپلیتیکی نیازمند توجه به این موارد هستیم: ۱. شناسایی ارزش‌های جغرافیایی؛ ۲. بررسی نگرش، گفتمان و ایده‌های توجه‌کنندگان به ارزش‌های جغرافیایی. در رقابت ژئوپلیتیکی، شکست از رقبای، انعکاس منطقه‌ای و جهانی می‌یابد و سبب از دست رفتن اعتبار کشورهای رقیب و شکست خورده می‌شود. به عنوان مثال، شکست ایران، عربستان یا ترکیه در سوریه می‌تواند منزلت ژئوپلیتیکی این کشورها را با چالش جدی مواجه کند (Ahmadi & et al, 2017: 60). مثال عینی برای رقابت استراتژیک، روابط آمریکا-چین بعد از جنگ سرد تا به امروز است. از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظام بین‌الملل دستخوش تغییر شد و دشمن مشترک دو کشور یعنی شوروی از میان رفت، از این رو، الگوی حاکم بر روابط دو کشور نیز تغییر شکل یافت. در این راستا، در دهه ۱۹۹۰ به تدریج الگوی جدیدی در روابط دو کشور شکل گرفت که آن را می‌توان در قالب الگوی همکاری اقتصادی و رقابت استراتژیک - رویکردی مبتنی بر همکاری و رقابت توأمان - مفهوم‌بندی و تعریف کرد. در قالب این الگو، دو کشور در حوزه‌های وسیعی با محوریت اقتصاد وارد همکاری، در حوزه‌های مهم دیگر از قبیل امنیت بین‌الملل وارد رقابت و در حوزه تأمین امنیت انرژی نیز از رویکردی مبتنی بر همکاری و رقابت توأمان پیروی می‌کنند. این الگو در دوران پسا جنگ سرد، همچنان بر روابط دو کشور در حوزه‌های موضوعی مختلف در چارچوب وابستگی متقابل حاکم بوده است (Keshmiri, 2016: 89-90).

۵. تجزیه و تحلیل

براساس مباحث مطرح شده، می‌توان اینگونه استنباط کرد که روابط و تعاملات بین‌المللی، به چند دلیل زیر ممکن است استراتژیک یا راهبردی ارزیابی شود:

- این روابط از آن جهت استراتژیک به شمار می‌آیند که اهداف استراتژیکی را دنبال کنند (Crossick & Reuter, 2007: 4) (همکاری روسیه و چین برای مقابله با سلطه هژمونیک و یکجانبه‌گرایی آمریکا در نظام بین‌الملل)؛
- استراتژیک بودن نتیجه تعامل در حوزه منافع ملی استراتژیک یا حیاتی باشد (همکاری ایران و دولت مرکزی عراق برای مقابله با تروریسم داعش)؛
- این تعاملات در حوزه‌های موضوعی استراتژیک (امنیتی) در جریان است (روابط رژیم صهیونیستی و آمریکا در خاورمیانه)؛
- روابط و تعاملات واحدها، بدلیل استراتژیک بودن بازیگران و توان آنها در تحت تاثیر قراردادن سیستم باشد. استراتژیک بودن بازیگران می‌تواند در نتیجه چندعامل باشد: ۱. برخورداری از سطوح بالای قدرت ملی، به گونه‌ای که رفتار آن بازیگر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تعیین کننده بوده مانند وزن روسیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز؛ ۲. برخورداری از موقعیت استراتژیک بدلیل جایگاه جغرافیایی خاص که این جایگاه موجب می‌شود رفتار این بازیگران نظام بین‌الملل را متاثر کند مانند موقعیت جغرافیایی ایران در ارتباط با مدیریت تنگه هرمز در شرایطی که ۳۰ درصد از نفت جهان از تنگه هرمز عبور می‌کند، به ایران جایگاه استراتژیک در ارتباط با امنیت انرژی و عبور و مرور شناورها در خلیج فارس می‌بخشد، اما اینکه ایران چگونه با این مزیت استراتژیک خود تعامل کند اهمیت دوچندان دارد؛ ۳. برخورداری از منابع، کالا یا خدمات استراتژیک مانند برخورداری عربستان از ذخایر عمده نفت جهان یا جایگاه کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته غربی در زمینه انحصار برخورداری از دانش و تکنولوژی؛ ۴. صبغه تاریخی، تمدنی و فرهنگی یک کشور در یک محدوده خاص تمدنی یا فرهنگی که موجب شود رفتار و مواضع آن بازیگر امکان تحت تاثیر قرار دادن مستقیم منافع دیگر بازیگران و نظام منطقه‌ای را داشته باشد (تاثیر ایران بر شیعیان منطقه)؛ ۵. استراتژیک بودن ممکن است بدلیل میزان تاثیری باشد که رفتار، اقدامات، سیاست‌ها و تصمیمات یک واحد سیاسی بر نظام بین‌الملل یا بر دیگر واحدهای سیاسی دارد مانند تاثیرگذاری تصمیمات و سیاست‌های آمریکا بر نظام بین‌الملل و بر دیگر واحدها؛ ۶. یک بازیگر یا یک واحد سیاسی همچنین ممکن است وزن

استراتژیک خود را مدیون ترکیبی از مؤلفه‌های فوق باشد که به آن بازیگر، جایگاهی استراتژیک می‌بخشند.

• استراتژیک بودن، در نتیجه اقدام استراتژیک یا تعیین کننده باشد. برای مثال عضویت مصر در ائتلاف عربی آزادسازی کویت در سال ۱۹۹۱م.

همانگونه که اشاره شد تعریف یکپارچه و مورد توافقی از همکاری استراتژیک وجود ندارد و مفهوم حول این محور قرار دارد که بازیگران بر اساس منافع حیاتی یا تهدیدات مشترک اقدام به شکل‌دهی به روابط خود می‌کنند. زمانی که صحبت از مشترکات است، کشورها، برای تحقق اهداف خود با یکدیگر دست به همکاری در حوزه‌های راهبردی زده و حول این تعریف پایه، مفهوم گسترش می‌یابد و در هر مورد همکاری استراتژیک، منحصر به فرد است، زیرا شرکاء با توجه به منافع خاص خود با یکدیگر همکاری می‌کنند، اما زمانی که منافع حیاتی متعارض یا رقابتی، خروجی تطبیق اولویت‌های ژئوپلیتیکی آنها با یکدیگر باشد، در آن صورت، تعامل آنها حول محور «رقابت استراتژیک» شکل می‌گیرد که این نیز شکلی از اشکال روابط استراتژیک به شمار می‌آید. براین اساس، روابط استراتژیک، به توانایی متقابل برای بازیابی و شکل دادن به همکاری‌ها، منعطف بودن و تداوم همکاری به رغم تمام مشکلات یا سوء تفاهم‌ها نیز تعبیر می‌شود (Gajauskaitė, 2014: 193).

جنبه اساسی یک همکاری استراتژیک، زاویه دید مشترک دو کشور در مورد موارد ذیل است:

• نگاهی مشترک به تعاملات دوجانبه استراتژیک دارند؛

• اهداف استراتژیک دارند؛

• همکاری آنها در حوزه‌هایی که از نظر استراتژیک مهم تلقی می‌شوند صورت می‌گیرد؛

• داشتن ارزیابی مشترک از اقدامات استراتژیک یا اهمیت شریک در سیستم بین‌المللی.

همانگونه که اشاره شد در بعد همکاری جویانه، مفهوم «شراکت استراتژیک»، مفهومی است که قدرت تبیین و کاربرد بیشتری نسبت به دیگر مفاهیم مانند «اتحاد» (عمدتاً نظامی و بلندمدت) و «ائتلاف» (نظامی و کوتاه مدت) در چارچوب روابط استراتژیک همکاری جویانه دارد چراکه هریک از مفاهیم اتحاد و ائتلاف، محدودیت‌هایی در زمینه موضوع همکاری یا مدت زمان

همکاری دارند. امروزه مفهوم شراکت استراتژیک، بازتاب دهنده همکاری مشترک برای تحقق اهداف استراتژیک است؛ یعنی مشارکت استراتژیک دو جانبه براساس اهداف استراتژیک و همکاری که لازمه تحقق آن اهداف است، تعریف می‌شود. با این وجود، کشورها برای همکاری مشترک استراتژیک نیازمند آن هستند تا تعریفی دقیق از اولویت‌های منافع ملی خود ارائه دهند. تعریفی که اساس آن، برداشت از خود و دیگری، اهداف و تهدیدهای ژئوپلیتیکی است در مجموع، استراتژی ژئوپلیتیکی کشورها را شکل می‌دهد. همکاری استراتژیک می‌تواند در زمینه منافع استراتژیک ملی تعریف شود. به عنوان مثال، منافع استراتژیک کشور می‌تواند تنها بر مبنای همکاری دو جانبه با کشورهای دیگر که منافع استراتژیک همسو دارند، اجرا شود. همکاری در حوزه‌های استراتژیک مانند امنیت، مسائل نظامی، سیاست، اقتصاد نیز می‌تواند یک همکاری استراتژیک نامیده شود. وجود روابط استراتژیک در معنی غیر همکاری جویانه در چارچوب رقابت استراتژیک قابل تصور است. این رقابت حاصل تضاد منافع، اهداف و اولویت‌های ژئوپلیتیکی بازیگران و فقدان تهدید مشترک است. اقتصاد مبتنی بر فروش منابع هیدروکربنی، کشورهای تولید کننده را در معرض رقابت استراتژیک قرار می‌دهد. وجود دو ایدئولوژی رقیب در دو کشور همسایه-بخصوص اگر نظام خود را براساس اصول ایدئولوژیک شکل داده باشند- به رقابت این دو کشور همسایه، ابعادی استراتژیک می‌بخشد. یا آنکه، با توجه به اهمیت اقتصاد برای چین به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور و ایالات متحده که در تلاش است جایگاه ابرقدرتی خود را در نظام بین‌الملل حفظ کند، رقابت این دو در حوزه اقتصادی، رقابتی استراتژیک است. این رقابت، در تعاملات روسیه و آمریکا برای حفظ یا تغییر ساختار نظام بین‌الملل نیز ملموس است.

از حیث بازیگران اگرچه ماهیت روابط استراتژیک بر بازیگری کشورها و نهادهای رسمی و نهادهای فراملی مانند ناتو، اتحادیه اروپا یا حتی اوپک گذاشته شده، اما اغلب بازیگران روابط بین‌الملل می‌توانند بخشی از تعاملات استراتژیک باشند، چراکه ممکن است در پیشبرد روابط استراتژیک برحسب موضوع از برخی نهادهای محلی مانند برخی وزارتخانه‌های خاص نیز استفاده شود که اینها نیز مشروعیت بازیگری خود را از واحدهای رسمی یعنی کشورها کسب

می‌کنند. برای مثال جایگاه وزارت نفت در تعاملات کشورهای تولید کننده نفت. در مورد بازیگری نهادهای فراملی برای مثال، روابط عربستان با سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک)، روابطی استراتژیک است چراکه تصمیمات این بازیگر بر سازمان مذکور و تصمیمات سازمان مذکور بر تک تک اعضا، اثرات مهمی داشته و پیامدهای تصمیمات این نهاد بر کل نظام بین‌الملل می‌تواند اثرگذار باشد.

بنابراین، یک همکاری استراتژیک، منحصر به فرد است اگر کشورها اساس آن را بر مشارکت در تصمیم‌گیری و مبنای آن را بر دستیابی به آن اهداف گذاشته و یا در زمینه‌هایی باشد که طرفین، آنها را مرتبط با منافع ملی تشخیص دهند (Gajauskaitė, 2013: 194). اهداف روابط استراتژیک در بعد همکاری‌جویانه آن می‌تواند مقابله با تهدیدات مشترک، اهداف اقتصادی حیاتی، تحقق منافع مشترک، تجدیدنظرطلبی یا حفظ وضع موجود، و ... باشد.

نکته‌ای که باید در اینجا مورد توجه قرار گیرد این است که روابط استراتژیک زمانی که بعد همکاری‌جویانه داشته باشد در راستای افزایش توان و قدرت ملی طرف‌های مختلف این روابط است اما اگر بعد رقابت‌آمیز آن بر تعاملات مسلط باشد، تنها می‌تواند در حفظ جایگاه یا وزن طرف‌های تعامل ایفای نقش کند. در اینجا است که بحث از گونه دوم از روابط استراتژیک، یعنی روابطی که استراتژیک تلقی می‌شوند اما ماهیتی رقابت‌آمیز دارند، به میان می‌آید.

یک مثال برای روابط استراتژیک رقابتی، روابط یا تعاملات روسیه و عربستان در حوزه نفت است که می‌تواند به چند دلیل روابط استراتژیک تلقی شود: اولاً، موضوع عرضه و قیمت نفت موضوعی راهبردی و حیاتی برای اغلب مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان است؛ ثانیاً، درآمدهای نفتی هم برای عربستان و هم برای روسیه، منابع اصلی درآمدهای این دو کشور را تشکیل داده و اقتصاد این دو کشور متکی بر صادرات انرژی است؛ ثالثاً، نفت و گاز برای روسیه و نفت برای عربستان، کالایی حیاتی تلقی شده که ضامن وزن و جایگاه این دو کشور در تعامل با دیگر قدرت‌های بزرگ جهان از جمله اروپا و آمریکا است. در نتیجه می‌توان گفت که روابط روسیه و عربستان بدلیل برخورداری از بخش عظیمی از ذخایر نفت جهان، حول مساله نفت می‌تواند روابطی استراتژیک تلقی شود اما آیا روابط استراتژیک ریاض - مسکو، روابطی

همکاری جویانه است؟ در پاسخ به این سوال، باید توضیح داد که «رقابت»، مشخصه اصلی تعاملات دو کشور در حوزه نفت طی سالیان گذشته بوده اما در دو سال اخیر، این دو، حول موضوع تعیین میزان عرضه نفت به بازارهای جهانی همچنین سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه نفت و گاز دست به همکاری نیز زده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش حول دو مفهوم اصلی «روابط استراتژیک» و «مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی» این روابط قرار دارد. برای ورود به بحث، ضمن تعریف مفاهیم، توضیح داده شد الگوی ژئوپلیتیکی رفتار واحدهای سیاسی، چیزی نیست جز تعیین مرزها و قلمرو منافع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که خود تابع روابط قدرت و فضا است. این همان چیزی است که از آن به «استراتژی ژئوپلیتیکی» یاد می‌شود. رابطه استراتژیک خواه در معنای همکاری جویانه یا خواه رقابتی آن، به خودی خود، رابطه‌ای است که ماهیت ژئوپلیتیکی داشته و ریشه‌های این رقابت و همکاری توسط ژئوپلیتیک تبیین و تفسیر می‌شود، اما در سطحی دیگر و به طور دقیق در تعریف شاخص‌های روابط استراتژیک نیز، استراتژی ژئوپلیتیکی کشورها تعیین کننده است. کاربرد ژئوپلیتیک در این مرحله این است که بازیگران روابط خارجی خود را براساس برداشت‌ها از منافع، اولویت‌ها و خطوط ژئوپلیتیکی امنیت ملی خود تعریف می‌کنند. یعنی این ژئوپلیتیک است که موجب شکل‌گیری برداشت‌های سیاست‌گذاران یک کشور نسبت به منافع ملی کشورشان در ارتباط با محیط پیرامون می‌شود و طبیعی است که این برداشت موجب جهت‌گیری سیاست خارجی بازیگران شده که یکی از این جهت‌گیری‌ها می‌تواند داشتن تعاملات استراتژیک با دیگر بازیگران باشد. اما در مورد بخش اصلی، پژوهش که نقطه تمرکز آن نیز به شمار می‌آید پس از آنکه، تعریف اولیه‌ای از مفهوم در نتیجه مصاحبه با خبرگان بدست آمد، برای معرفی شاخص‌های این مفهوم به سراغ مطالعه و بررسی اشکال تعاملات استراتژیک یعنی «اتحاد»، «ائتلاف»، «شراکت» که اشکال همکاری جویانه روابط استراتژیک و در نهایت سراغ «رقابت استراتژیک» به عنوان شکل رقابت آمیز این تعاملات رفته و توضیح دادیم که واژه «روابط» در مفهوم فوق به خودی خود حامل هیچ بار مثبت یا خوب (به معنای همکاری) و منفی یا بد (به معنای رقابت یا تنش آمیز) نیست و

صرفاً نشان دهنده، وجود تعامل میان دو بازیگر است اما این مؤلفه و شاخص‌های دیگر هستند که به این تعاملات بار استراتژیک می‌دهند که در قالب مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی روابط استراتژیک هدف بحث و بررسی قرار گرفتند.

۷. قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات به واسطه حمایت‌های مادی و معنوی و همچنین اساتید و دوستان گرانقدر، به‌خصوص جناب آقای سیدعبدالعظیم موسوی که در غنای این تحقیق نقش موثری داشتند، صمیمانه سپاسگزاری نمایند.



References

1. -----, (2001). Theory of Alliance and the Political Role of Germany at the recent Bonn Conference, Tehran: Defense and Foreign Policy Committee of Islamic Parliament Research Centre, 6308 issue, subject code 140.
2. Ahmadi, Sayed Abbas; Badiie Azondahi, Marjan _ Heidari Mosello, Tahmores. (2017), "The Theoretical Explanation of the Nature of the Geopolitical Regions in Competition of the Powers". Geopolitics Quarterly, Volume 13, Issue 47, pp. 55-78[**In Persian**].
3. Azghandi, Alireza and Rushandel. Jalil (2009). Contemporary military and strategic issues; Tehran: SAMT Publisher[**In Persian**].
4. Cohen, B. Saul (2008). Geopolitics of the World System, Tehran: Abrar-e-Moaser Centre.
5. Collins, John. M.(2004), Grand Strategy; Principles and Practices, translator: Kerios Bayender, Tehran: The Institute of Political and International Studies(IPIS).
6. Crossick, Stanley. Reuter, Etienne.(2007). China - EU: A Common Future, World Scientific Publishing Company.
7. Czechowska, Lucyna (2013) "The Concept of Strategic Partnership As an Input in the Modern Alliance Theory". The Copernicus Journal of Political Studies ,No.2(4)
8. Dehghani Firoozabadi, Seyyed Jalal (2004) "The Development of Conflict Theories and Cooperation in International Relations." Quarterly journal of law and politics. No. 74. Pages 115-73. [**In Persian**].
9. Dehghanii Firoozabadi, Seyyed Jalal (2010) "Foreign Policy of Islamic Republic of Iran". Tehran: SAMT Publication[**In Persian**].
10. Dehkhoda, Ali Akbar (1997), Dictionary, Tehran: Tehran University Press, Second Edition of the New Period. [**In Persian**].
11. Ezzati, Ezatollah and Bayat, Mahboubeh (2005). Cold War and Cold Peace, Tehran: Ghomes Publications. [**In Persian**].
12. Ezzati, Ezzatollah (2005). Geostrategy, Tehran: SAMT Publication, Fourth Edition. [**In Persian**].
13. Fukuyama, F, (1992), the end of history and last man, New York: Ravager
14. Gajauskaitė, Ieva (2014). Strategic Partnerships in Foreign Policy: Comparative Analysis of Polish - Ukrainian and Lithuanian - Ukrainian Strategic Partnerships, Lithuanian Annual Strategic Review (The Journal of Military Academy of Lithuania), Volume 11: Issue 1, pp. 189–229. DOI: <https://doi.org/10.2478/v10243-012-0028-x>
15. Ghavam, Seyyed Abdul Ali, Imani, Hemmat (2012), "The Realist Theory of Alliance in International Relations", The Journal of Political and International Approaches, No.30, p.37-66. [**In Persian**].
16. Hafeznia, Mohammadreza(2006), Principles and concepts of geopolitics, Mashhad: Papeli publication[**In Persian**].

17. Hafeznia, Mohammadreza(2010), "The theory of the emerging geopolitical structure of the world" *Geopolitics Quarterly*, Volume 6, Issue 19, Page 1-8[**In Persian**].
18. Hax, Arnoldo C. Majluf, Nicolas, S. (1986), "Strategy and the strategy formation process", Sloan School of Management (M.I.). available at: https://dspace.mit.edu/bitstream/handle/1721.1/2149/SWP-1810_15686178.pdf
19. Holsti, K, J) 1988) ; *International politics*; Englewood cliffs; N. J: prentice – Hall.
20. Hosseinpour Pouyan, Reza (2013), "Expounding Geographical and Geopolitical Factors of Relations in Geopolitical Regions", *The Journal of Geopolitics*, Volume 9, Issue 30, Summer 2013, Page 161-203. [**In Persian**].
21. Jervis, Robert (2006) " The Remaking of a Unipolar World". *The Washington Quarterly*.29:3. Pp. 7-19
22. Jonas, Robert, (2000), "The Real Meaning of Strategy", *Strategy International, Inc*, available at: <http://www.strategyinc.com/pdfs/Real%20Meaning%20of%20Strategy.pdf>
23. Kashmiri, Seyyed Mohammad (2016). "US-China Relations: From Economic Cooperation to Strategic Competitiveness", *Journal of International Political Economy Studies*, Vol. 1, No. 2, Autumn and Winter, pp. 81-112. [**In Persian**].
24. Kenneth Waltz, *Theory of International Politics*, New York: Addison Wesley Publishing Company, p. 107
25. Krasner, Martin (2000), "power as wealth in north – south economic relations " , In art and jervis ,eds
26. Liska, George (1968), "Nation in Alliance, the Limits of Interdependence", Paperback.Edition, Baltimore.
27. Maghroori, R and Ramberg, B eds (1982), *Globalism vs realism*. Boulder, co: westviewpress.
28. Meshirzadeh, Homira (2009). *Evolution of theories of international relations*, Tehran: SAMT Publishing. [**In Persian**].
29. Moisiu, Alexander. "Polarity and International System Consequences". *INterdisciplinary Journal of Research and Development*. Vol(1),No.1,2014
30. Morgenthau, H. J (1985 ;) *Politics among nations*: New York: Alfered knopf
31. Morgenthau, Hans J. (2005), *Politics among nations*, translated by Homira Mushirzadeh, Tehran: Ministry of Foreign Affairs publication.
32. Mu'in, Mohammed (1997), *Mu'ayyen culture*, 2nd c., Tehran: Amir Kabir Publishing.
33. Nikolas, Fred, (2016), "Stratigy: Difination and Meaning", *Distance Consulting*, available at: http://www.nickols.us/strategy_definitions.pdf
34. Oest, Kajsa Ji Noe (2007)."The End of Alliance Theory?" *Institut for Statskundskab. Københavns Universitet*.
35. Oliver Black, *Conceptual Foundations of Antitrust*, New York: Cambridge University Press, 2005, p.18

36. Sahargard, Majid (2007) Study on the National Energy Strategy of the Islamic Republic of Iran in the 1414 horizons, master's thesis, Faculty of Energy, Abbaspour University [In Persian].
37. Schweller, Randall L (1994) " Bandwagoning for Profit: Bringing the Revisionist State Back in". International Security, 19, 93.
38. Smith, Alastair (1995), "Alliance Formation and War," International Studies Quarterly Vol. 39, No. 4, p.405-425.
39. Walt, Stephen M (1987). The Origins of Alliances. Ithaca, NY: Cornell University Press, 263, 273-281
40. Walt, Stephen M (2009) "Alliances in a Unipolar World". World Politics, Vol.61, No.1 pp.86-120
41. Webster's Encyclopedic Dictionary (1995), Revised Edition, New York.
42. wendt, Alexander (2006). "Authoritarianism is something that governments perceive themselves", in Andrew Linkeller (editor), Society and Cooperation in International Relations, Translated by Bahram Mostaghimi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs publication.
43. Whish, Richard. (2009) , Competition Law, Oxford University Press, 6th Ed.
44. Yazdi, Babak (04/May/2018). "Michael Porter and Concept of Competition", personal website of Babak Yazdi. Available at: <http://yon.ir/4qTTc> [In Persian].